

دکتر ناصر کاتوزیان*

حمایت از زیان دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه

چکیده:

مواد افزوده شده به قانون مدنی فرانسه (۱۸-۱۳۸۶ تا ۱-۱۳۸۶) که به منظور استقرار مسئولیت مدنی تولیدکننده و حمایت از زیان دیده تمهید شده است، در واقع نمود خارجی طرح نمونه جامعه اروپایی است؛ طرحی که بی‌گمان از رویه قضایی دادگاه‌های آمریکا الهام گرفته و بازتاب نهضت جهانی حمایت از مصرف‌کننده است. زندگی در جامعه صنعتی به همان اندازه که آسان و دلپذیر است، خطرناک و زیانبار نیز هست و اگر غول‌های صنعتی به حکم قانون عهده‌دار پیامدهای ناگوار فعالیت‌های خود قرار نگیرند، در میدان رقابت پیشی می‌گیرند و در پناه اصول سنتی از اجرای عدالت می‌گریزند. پس، ناچار باید از مکافات دادن به مقصر دست کشید و به تضمین حق پایمال شده اندیشید. تحقق این اندیشه با ابزارهای گوناگون قراردادی و قهری ممکن است: از جمله پذیرش این شرط بنایی که تولیدکننده سلامت کالا و انطباق آن با انتظار مشروع مصرف‌کننده را تضمین کرده است و، در نتیجه، اگر عیبی در محصول به هم رسد و زیانی به بار آید، نقض آن شرط و عهد است و تولیدکننده (متعهد) را ضامن خسارت می‌کند و نیازی به اثبات تقصیر او نیست. آخرین ابزار کارآمد استفاده از حربه قانون و ایجاد مسئولیت محض برای تولیدکننده و عرضه‌کننده کالای معیوب به بازار مصرف است. قانون مدنی فرانسه نیز نمونه عینی این تلاش همگانی برای دستیابی به عدالت است که شرح آن را در این مقاله می‌خوانید.

واژگان کلیدی:

مسئولیت، ضمان، زیان، تولیدکننده، مصرف‌کننده، عیب، عدالت، بخت بد، مسئولیت محض، تقصیر سازمانی، تقصیر اقتصادی.

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:

«مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی»، شماره ۱۸، سال ۵۴؛ «نقش قراردادهای خصوصی در نکاح»، شماره ۲۰، سال ۵۶؛ «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، شماره ۲۱، سال ۵۸؛ «استصحاب حکومت یقین بر شک»، شماره ۲۲، سال ۶۰؛ «مبنای حقوقی انفساخ عقد جایز در اثر مرگ و حجر یکی از دو طرف»، شماره ۲۵، سال ۶۹؛ «وضع حقوقی بنا و درخت احداث شده به وسیله خریدار»، شماره ۲۸، سال ۷۱؛ «جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی»، سال ۷۶، شماره ۳۶ - «معمای تجدیدنظر در احکام و تعارض نیروهای اجتماعی»، سال ۷۶ - شماره ۲۷ - «ارزش سنت و جذبه عدالت در توارث همسران»، سال ۷۷، شماره ۳۹ - «مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴.

بخش نخست. مقدمه و کلیات^(۱)

نهضت جهانی حمایت از مصرف‌کننده

در آغاز انقلاب صنعتی، آنچه فکر اندیشمندان اجتماعی را مشغول می‌کرد، تشویق سرمایه‌داران به شرکت در برنامه‌های تولیدی و صنعتی بود، چرا که می‌دیدند صنعت جز با سرمایه‌های کلان رونق نمی‌یابد و تولید انبوه نیاز به سرمایه‌انبوه دارد. تمایل به جلب سرمایه‌ها، که نیاز ضروری پیشرفت بود، هزینه‌های گزاف و ناگواری را به همراه داشت: دولت ناچار بود که قدرت سرمایه را بر کارگاه‌ها بپذیرد و کارگر را خادم برنامه‌های تولید سازد، باید نابودی خرده‌پاها را در برابر مصلحت برتر مجاز شمرد و در گرفتن مالیات از این توانمندان اصرار نورزد. حقوق مصرف‌کنندگان نیز قربانی دیگر این پیشرفت بود و جامعه ابزار حرکت نو تلقی می‌شد. شوق دستیابی به سعادت و رفاه چنان همه را مسحور کرده بود که خطرهای این شیفتگی و زیاده‌روی را در نمی‌یافتند و بی‌اعتنا به قربانیان این راه به سوی هدف می‌تاختند. نظریه‌های حقوقی و اخلاقی نیز از تأثیر این حرکت جمعی بی‌نصیب نماند: مسئولیت بر پایه تقصیر قرار گرفت تا دشواری اثبات آن در چرخه پیچیده تولید، سرمایه‌دار را در برابر دعاوی مسئولیت مصون نگاه دارد. وانگهی، نظریه تقصیر این حسن را برای تولیدکنندگان داشت که، اگر مرتکب تقصیر نشوند، مسئولیتی نداشته باشند، هرچند که در نتیجه فعالیت اقتصادی آنان صدمه‌های جانی و مالی فراوان به بار آید. در نظام مسئولیت مبتنی بر تقصیر، هیچ رابطه‌ای میان غنیمت‌ها و غرامت‌ها وجود نداشت و عدالت چنین تعبیر می‌شد که سودجویی مباح ضمانی نمی‌آورد، هر چند باعث ضرر دیگران شود.

سوسیالیسم واکنش تاریخ در برابر این بی‌عدالتی بود و انتشار نوشته‌های مارکس زنگ خطری را که پیش از او به صدا درآمده بود پرتنین کرد. جامعه سرمایه‌داری نیز به خود آمد و برای حفظ خود در برابر خطر تازه و بنیان‌کن به فکر چاره افتاد. اصلاح عاقلانه‌ترین راه می‌نمود. باید نظام خشک سرمایه‌داری را به گونه‌ای تعدیل کرد تا از شکنندگی درآید و توان مقاومت در برابر سوسیالیسم را داشته باشد. اگر کارگران در سود کارگاه‌ها شریک شوند و از خود سندیکا و

ادامه از صفحه قبل

«نقدی تحلیلی بر قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۲۶ مرداد ۱۳۷۶»، سال ۷۸، شماره ۴۵ - «تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن»، سال ۷۹، شماره ۴۸ - «نقد قانون‌گرایی افراطی»، سال ۷۹، شماره ۴۹ - «ستایش قانون‌گرایی افراطی».

اتحادیه داشته باشند، دیگر آن عنصر انقلابی و ناراضی نخواهند ماند. در زمینه مسئولیت نیز تدبیر سرمایه‌داری در آغاز تحول بدین جا رسید که مفهوم شخصی و اخلاقی تقصیر به قاعده‌ای نوعی و عرفی تبدیل شود و رفتار انسان معقول و متعارف معیار تمیز تقصیر شود. (رک. ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، ج ۱، مسئولیت مدنی، ش ۱۵۲) از سوی دیگر، با تمهید پایه قراردادی، تضمین سلامت کالا و اماره‌ها و فرض‌های گوناگون، اثبات تقصیر آسان شود. سپس، درگامی دیگر، مسئولیت کفه متقابل غنیمت شود (من لم الغنم فعليه الغرم) و نظام قراردادی و شرط عدم مسئولیت نتواند به قلمرو آن صدمه بزند.

این گونه اصلاح‌ها تنها از بیم نفوذ سوسیالیسم نبود؛ در محیط نو، عدالت نیز چهره تازه‌ای یافت و از محیط رنگ تعلق پذیرفت. دیگر پذیرفتنی نبود که تولیدکننده انواع خطرها را ایجاد کند و سود چرخه تولید را ببرد و در مقام معاوضه، از مسئولیت معاف ماند و قربانی اقدام او ناچار باشد به کارگر مقصر رجوع کند؛ کارگری که توان جبران خسارت را ندارد و خود ابزار سودجویی کارفرماست. بی‌گمان، ساقه عدالت در ظرف تازه خود عامل مؤثری بود که سنت‌گرایان در زمینه مسئولیت ناشی از تولید دست از مقاومت بردارند و به اقتضای زمانه گردن نهند. نظریه‌های گوناگون «خطر» و «اقدام نامتعارف» به میدان آمد، ولی هرکدام به مشکل تازه‌ای برخورد (رک. ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، ج ۱، مسئولیت مدنی، ش ۷۲ به بعد)، ولی این هدف که باید قالب‌های سنتی شکسته شود، همچنان باقی ماند و ارزش‌های تازه آفرید. به بیان دیگر، ناکارآمدی ابزارها به انصراف از هدف نینجامید و باعث رونق ارزش‌های نو شد:

پیش از این تحول، عدالت توزیعی به منظور تقسیم منافع و مزایا به کار گرفته می‌شد و ارزشی ضروری می‌نمود، ولی در نظام نو این پرسش فلسفی به میان آمد که چرا تقسیم عادلانه باید منحصر به ثروت و مزایا و مناصب شود؟ آیا همبستگی اجتماعی ایجاب نمی‌کند که بخت بد نیز بر دوش قربانی اتفاقی آن سنگینی نکند و عادلانه توزیع شود؟ بی‌گمان، هرکس در گرو خطای خویش است و گناه او را بر دگران نباید نوشت. ولی، کردار بد را با بخت بد نباید آلود. بخت بد زاده اتفاق است و بیرون از اختیار، در حالی که کردار بد ارادی و منسوب به شخص است. پس، طبیعی است که این دو نباید تابع یک نظام باشد. تحمیل بار گناه دیگری را عقل ناپسند می‌بیند، ولی بر توزیع بخت بد خرده نمی‌گیرد و چه بسا لازمه فتوت و همدلی می‌داند: راننده بی‌مبالات مکافات خودسری را به تنهایی می‌بیند، لیکن خریدار بی‌گناهی که همراه با

که به تنهایی عیب چرخه تولید را متحمل شود؛ چرخه‌ای که به سود همگان در گردش است و عیب اتفاقی نیز لازمه حرکت طبیعی آن است. (رک. کلمن و آرتور ریپستن Ripstein، عدالت و جبران خسارت: نقل از: فن برگ و کلمن، فلسفه حقوق، ج ۶، ۲۰۰۰، ص ۴۱۹ به بعد ناصر کاتوزیان، مسئولیت ناشی از عیب تولید، ش ۱۹)

به منظور توزیع عادلانه مسئولیت، سیاست حقوقی باید به گونه‌ای طرح شود که هم بر شمار دعاوی نیفزاید و هم قابل پیش‌بینی باشد. درست است که اگر هر خریدار به فروشنده مستقیم خود رجوع کند و از او خسارت بخواهد، سرانجام ضمان بر عهده تولیدکننده استقرار می‌یابد؛ ولی، مستلزم طرح چندین دعوا و برخورد با آفات گوناگون، و از جمله اعسار خوانده است. پس، چه بهتر که از آغاز بر تولیدکننده تحمیل شود و بیهوده وقت و سرمایه‌ها را تلف نکند. وانگهی، فرض بر این است که تولیدکننده اصلی توان کافی برای پیش‌بینی خسارات احتمالی کالا و پرهیز از آن را دارد، در حالی که دیگران تنها واسطه و عامل فروشنده.

پرسشی که باقی می‌ماند چنین خلاصه می‌شود که، اگر هدف توزیع مسئولیت باشد، چگونه تحمیل آن بر تولیدکننده ما را بدین هدف نزدیک می‌سازد؟ ولی، باید توجه داشت که استفاده از فناوری بیمه، لازمه توفیق در این راه است. زیرا، تولیدکننده می‌تواند با بیمه کردن مسئولیت خود، حق بیمه را در زمره هزینه‌های تولید آورد. بدین سان، همه مصرف‌کنندگان در تحمل بار مسئولیت شریک می‌شوند و بخت بد به زیان‌دیده طبیعی صدمه اضافی نمی‌زند. نباید چنین پنداشت که در اجرای این سیاست، تولیدکننده از گردونه مسئولیت خارج می‌شود و به ظاهر مسئول و در باطن مصون است. زیرا، رقابت در بازار دادوستد مانع از این است که عرضه‌کننده کالا به هر میزان که بخواهد بر بهای آن بیفزاید. پس ناچار است، یا بخشی از حق بیمه را از سود کارگاه پردازد تا آن را با بهای کالای مشابه در بازار همگون سازد، یا با صرف هزینه‌های اضافه، بر درجه اطمینان از خسارات بیفزاید و از نرخ حق بیمه بکاهد.

در این مقدمه، جای طرح همه ارزش‌های تازه در زمینه مسئولیت مدنی نیست. همین اندازه کافی است تا نشان داده شود که انعطاف‌پذیری مفهوم عدالت در جامعه صنعتی ارزش‌ها و هدف‌هایی به وجود آورده است که با ابزارهای کهن تحقق نمی‌پذیرد و نیاز به تحول اساسی دارد. از سوی دیگر، نگاهی اجمالی به حقوق کشورهای پیشرفته ثابت می‌کند که در زمینه «مسئولیت ناشی از عیب تولید» نهضت حمایت از مصرف‌کننده در برابر عیب تولید دامن گرفته و چهره

عادات و تاریخ و اقتصاد حاکم بر آن است. گام‌هایی در راه ایجاد وحدت حقوقی برداشته شده است، چنانکه طرح هدایت‌کننده و اجباری جامعه اروپایی نمونه بارز آن است، ولی هنوز نظام‌های حقوقی، حتی در کشورهای عضو اتحادیه اروپایی، کم و بیش ویژگی‌های خود را حفظ کرده‌اند که مطالعه آنها به تحقیق اختصاصی نیاز دارد.

واکنش‌های گوناگون برای تحقق عدالت

۱. نخستین واکنشی که در برابر بی‌مبالاتی تولیدکننده در نظام مرسوم ایجاد شد وضع مقررات کیفری، به ویژه در زمینه مواد خوراکی و دارویی و بهداشتی بود. قانون‌گذاران چنین می‌اندیشیدند که کیفر دادن کسی که در زمینه مواد خوراکی و بهداشتی به تقلب دست می‌زند، وسیله مفید بازدارنده است و بدین وسیله از سلامت مصرف‌کنندگان در برابر سودجویی دغلكاران حمایت می‌شود: به عنوان مثال، در نیمه سده نوزدهم نتیجه بازرسی‌ها نشان داد که ۵۳ درصد از شیرهای فروخته شده در پاریس تقلبی و مصنوعی است. همچنین وضع نان و شکلات و خیارترشی (ر.ک. لوک بیل Bihl، قانون ۲۱ ژانویه ۱۹۸۳ درباره امنیت مصرف‌کنندگان، مقاله در مجموعه ایمنی مصرف‌کنندگان و مسئولیت ناشی از محصولات معیوب، مرکز حقوق تعهدات پاریس، سوربن، ص ۲۹- وینی Viney، جبرأت خسارت ناشی از تجاوز به ایمنی مصرف‌کنندگان در حقوق فرانسه، مجموعه ایمنی مصرف‌کنندگان ص ۷۱). در ایران نیز قدیم‌ترین واکنش جدی در برابر تولیدکننده جنبه کیفری داشت: قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ و اصلاحات بعدی آن و قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات سال ۱۳۵۳ نمونه‌های آشکار استفاده از سلاح کیفری در حمایت از امنیت و سلامت مصرف‌کننده است.

این‌گونه قوانین مبتنی بر قواعد عمومی مسئولیت مدنی و تقصیر است و تحول و ابداعی در آن دیده نمی‌شود: مجرم و بی‌مبالات به کیفر می‌رسد و خسارات ناشی از آن را می‌پردازد. یکی از انگیزه‌های اصلی روی آوردن به مسئولیت کیفری، چهره اخلاقی آن و انطباق با نظریه تقصیر است، جز اینکه ضمانت اجرای کیفری به وصف بازدارندگی راه‌حل می‌افزاید. ولی، تجربه‌های بعدی نشان داد که افزودن مسئولیت کیفری بر ضمان مدنی مرسوم نیز چنانکه باید سبب تحذیر تولیدکنندگان و حمایت از مصرف‌کنندگان نمی‌شود و دو نقص عمده مانع از رسیدن به مقصود

این خساراتی به بار می‌آید که عدالت اقتضا دارد بر تولیدکننده، که سود حاصل از محیط خطرناک را می‌برد، تحمیل شود و قربانی بی‌گناه حادثه آسیب نبیند؛ (۲) در فرضی هم که تقصیری رخ داده است، اثبات آن در چرخه پیچیده تولید و انتساب تقصیر به یک یا چند عاملی که در ایجاد محصول معیوب دست داشته‌اند، چندان دشوار و غیرعملی است که فایده لازم را به بار نمی‌آورد. (ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ش ۶۷ به بعد؛ مسئولیت ناشی از عیب تولید، ش ۷ به بعد). پس، باید در فکر چاره دیگر بود:

۲. راه حل دیگری که مطرح شد، اصلاح نظریه تقصیر بود؛ به گونه‌ای که در دامان نظریه مرسوم و به یاری اماره‌ها و فرض‌های حقوقی، از عیوب آن پرهیز شود. در این راستا، دو گرایش اصلی چشمگیر است:

(۱) استفاده از شرط بنایی یا ضمنی در عرضه کالا و دادوستدهای حرفه‌ای؛ بدین بیان که در عرف دادوستد، انتظار خریدار این است که کالای سالم بخرد و فروشنده نیز با تبلیغ اوصاف فرآورده خود، هم به این انتظار دامن می‌زند و هم به طور ضمنی متعهد می‌شود که کالایی با همان اوصاف معهود و متعارف در اختیار خریدار دهد. بر مبنای این تراضی نانوشته قرارداد واقع می‌شود و دو طرف را ملتزم به مفاد آن می‌کند. پس، اگر عیبی در آن ظاهر شود و ضرری به بار آورد، فرض بر این است که فروشنده به تعهد خود وفا نکرده و مرتکب تقصیر قراردادی (پیمان‌شکنی) شده است و نیازی به اثبات این تقصیر ندارد. تعهد ضمنی پایه این نظریه، در آغاز محدود به دو طرف قرارداد، سپس در برابر هر مصرف‌کننده دور و نزدیک پذیرفته شد تا کارایی لازم را بیابد.

(۲) در غالب دادوستدهای حرفه‌ای، فروشنده از عیوب پنهانی کالای فروخته شده آگاه است؛ پس، اگر در این باره سخن نگوید، خریدار را فریب داده و مرتکب تقصیر شده است. بر فرض هم که قصد فریب و اضرار نداشته باشد، کاهلی او در ارائه عیوب کالا تقصیر است و برای تحقق اغراء کفایت می‌کند. دادگاه می‌تواند این حکم غلبه را مبنای اماره قضایی آگاهی از عیب و ارتکاب تقصیر قرار دهد و بدین تمهید قربانی حادثه را از اثبات تقصیر معاف سازد. (دیوان کشور فرانسه، ۲۴ نوامبر ۱۹۵۴ - ناصر کاتوزیان، همان، ش ۶۸)

پذیرش این اماره، خواه به عنوان قضایی یا قانونی، تکلیف فروشنده به آگاه ساختن خریداران از عیوب پنهانی کالا و خطرهای ناشی از استفاده نامطلوب از آن را گسترش می‌دهد،

دیدگاه در حکم عیب است.

۳. مرحله سوم که حاوی آخرین راه‌حل تاریخی در این زمینه است، روی آوردن به «مسئولیت محض» یا «مسئولیت کلی و نوعی» است. دلیل ترک نظریه تقصیر را باید در ناکارآمدی اصلاحاتی جستجو کرد که در مفهوم سستی تقصیر و اجرای قواعد عمومی مسئولیت انجام شده است:

۱) عیب مهم مسئولیت قراردادی این است که، اگر مبنای توجیه‌کننده آن تبانی یا تراضی ضمنی باشد، به حکم منطق تراضی صریح دو طرف می‌تواند آن را خنثی کند. پس، اگر در قراردادی به صراحت شرط عدم مسئولیت شود، تقصیر قراردادی (پیمان شکنی) نیز پایه مفروض خود را از دست می‌دهد. وانگهی، در نظریه مرسوم مسئولیت، هرگاه زیان‌دیده مرتکب تقصیری شده باشد، این اقدام او را از حق جبران تمام یا بخشی از خسارت محروم می‌سازد؛ در حالی که تولیدکننده باید چندان در ایمنی کالا بکوشد که اهمال‌کاری‌های معمول و قابل پیش‌بینی نتواند زیانی به بار آورد.

از جهت قلمرو نیز مسئولیت قراردادی برای حمایت اشخاص در برابر عیب تولید کافی نیست. زیرا، در گسترده‌ترین نظریه‌ها نیز تعهد ضمنی فروشنده محدود به مصرف‌کنندگان کالا یا کسانی است که در زنجیره قراردادی جایی دارند و به گونه‌ای، مستقیم یا با واسطه، در تراضی با فروشنده ارتباط دارند. ولی، از سایرین حمایت نمی‌کند، در حالی که اشخاص ثالث استحقاق بیشتری دارند؛ چرا که مصرف‌کننده از مزایای تولید بهره‌مند می‌شود، اما ثالث بی‌گناه هم در این راستا بهره‌ای نمی‌برد و هم خسارت می‌بیند. پس باید چاره‌ای اندیشید که مزایای مربوط به اثبات تقصیر شامل همه مردم شود.

۲) فرض آگاهی از عیب کالا، که ویژه صاحبان حرفه و متخصصان است، از مصرف‌کننده حمایت کافی نمی‌کند. زیرا، اثبات بی‌تقصیری تولیدکننده کارایی اماره آگاهی را از بین می‌برد و با خنثی شدن اماره، زیان‌دیده با دشواری‌های نظریه تقصیر روبه‌رو می‌شود. پس، باید در اندیشه چاره‌ای بود که حمایت از مصرف‌کننده، به بهانه‌های جهل به عیب یا بی‌تقصیری در ایجاد آن یا عدم انتساب تقصیر به تولیدکننده، معلق نماند و هر که سود می‌برد پذیرای مسئولیت نیز باشد. آخرین تمهید این است که، در کنار استفاده از مسئولیت قهری و قراردادی، نوعی مسئولیت محض به وجود آید که به حکم قانون بر تولیدکننده یا تمام دست‌اندرکاران چرخه تولید و

ویژگی‌های مسئولیت محض (Strict Liability)؛ تقصیر سازمانی

این اصطلاح، نمودار مسئولیتی است که به حکم قانون و بر پایهٔ مصلحت و تدبیر ایجاد می‌شود و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست، به همین جهت هم آن را مسئولیت نوعی یا کلی نیز نامیده‌اند. هدف این مسئولیت، تحمیل ضمان به نتیجهٔ فعل است نه کیفیت آن: بدین بیان که، اگر در قواعد عمومی فعل زیانبار سبب ضمان می‌شود و مهم‌ترین مسألهٔ آن احراز فعلی ناروا و انتساب آن به مسئول است، در این قلمرو استثنایی به نتیجهٔ کار شخص توجه دارد و نتیجهٔ ناگوار و مضر برای ایجاد مسئولیت کافی است. به عنوان مثال، اگر ماشین ظرفشویی عرضه شده به بازار زیانی به بار آورد، این نتیجه خود به خود برای تولیدکننده ایجاد مسئولیت می‌کند، خواه عیب سبب ضمان منسوب به تقصیر او باشد، یا ناخواسته در جریان تولید حادث شود. در واقع، این ضمان چهرهٔ حمایتی دارد تا هیچ حق قابل احترامی از بین نرود. (ناصر کاتوزیان، مسئولیت ناشی از عیب تولید، ش ۱۸) به همین جهت، باید پذیرفت که میان مبانی مسئولیت محض و قاعدهٔ لاضرر، که تکیه بر نفی ضرر دارد، و نظریهٔ تضمین حق و تحمیل تعهد به مواظبت بر دارندهٔ کالا در حقوق فرانسه، قرابت و مشابهتی انکارناپذیر وجود دارد. (ر.ک. ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ش ۵۵ و ۶۴ و ۷۸ به بعد و ۳۱۹)

در مسئولیت محض، کافی است خواهان ثابت کند که کالای عرضه شده عیبی داشته است که ضرر از آن برخاسته، یا نقص اطلاعات و هشدارهای ضروری به گونه‌ای مؤثر بوده که کالای سالم را معیب و خطرناک کرده است. عذر بی‌تقصیری و ناآگاهی از خود عیب و حتی بی‌مبالاتی قابل پیش‌بینی خواهان از بار این مسئولیت نمی‌کاهد و تنها انتساب ورود ضرر به قوهٔ قاهره می‌تواند خواننده را از نتیجهٔ به بار آمده مبرا کند. بدین ترتیب، مسئولیت محض را نباید با مسئولیت مطلق، همانند ضمان غاصب در تلف مال مغضوب، اشتباه کرد. زیرا، غاصب مسئول تلف یا هر عیب و نقصی است که در عین مغضوب یا منافع آن ایجاد شود، هرچند که تلف ناشی از حوادثی باشد که به او مربوط نمی‌شود. مادهٔ ۳۱۵ ق.م. در این باره اعلام می‌کند: «غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد، هرچند مستند به فعل او نباشد؛ مانند اینکه توفان یا زلزله مال مغضوب را از بین ببرد، یا دزد آن را برباید. این ضمان مطلق، حتی در موردی که آغاز تصرف مشروع است و در اثر تعدی و تفریط به ید ضمانتی منتهی می‌شود (در حکم غصب) اجرا می‌شود. (مادهٔ ۴۹۳ ق.م. در اجاره)

مسئولیت دارنده اتومبیل با مسئولیت ناشی از عیب تولید متفاوت باشد، یا در کشوری این مسئولیت منافع اقتصادی تلف شده را در بر نگیرد و در کشور دیگر شامل این منافع نیز بشود. مسئولیت محض را در نوشته‌های حقوقی در زمره مسئولیت‌های بی‌تقصیر آورده‌اند. ولی، این نظر را که از پاره‌ای جهات همراه با واقع است، باید اصلاح کرد. به ویژه، در مورد عیب تولید که موضوع بحث ما است، سایه‌ای از نظریه تقصیر را می‌توان احساس کرد: وجود عیب، خواه ناشی از نقص هشدارهای ضروری باشد یا فقدان وصفی که لازمه استفاده متعارف از کالا است، حکایت از ارتکاب تقصیری در چرخه تولید می‌کند، وگرنه عیب به شمار نمی‌آید. ممکن است انتساب این خطا به هیچ یک از عوامل سازنده و عرضه‌کننده کالای معیبت اثبات نشود، ولی به اجمال می‌دانیم که خطایی رخ داده است. این تقصیر، که باید آن را «تقصیر سازمانی» نامید، سبب مسئولیت گروه تولیدی می‌شود. پس، به جای انکار مفهوم تقصیر، باید به مفهوم بدیعی که یافته است توجه کرد؛ چنانکه «خطای اقتصادی» نیز چهره دیگری از این بت عیار است: بدین معنی که، اگر هزینه پیش‌بینی و احتراز از خطر تناسب عرفی با بهای کالا داشته باشد و با وجود این تولیدکننده از صرف این هزینه دریغ کند، مرتکب تقصیر اقتصادی شده است و باید مکافات آن را ببیند.

ویژگی تقصیری که «سازمانی» نامیده‌ایم در این است که مرتکب آن به تفصیل معلوم نیست و تنها به اجمال می‌دانیم که درون سازمان تولید رخ داده است، چراکه عیب محصول زاده خطای این چرخه است، هرچند که محل دقیق آن معلوم نباشد. پس، باید پذیرفت که موضوع چهره جدید اجمال سبب در حقوق صنعتی و تجارتنی است. در نتیجه، همان بحث‌ها و راه‌حل‌ها که در فقه و مسئولیت مدنی نسبت به این موضوع طرح و پیشنهاد شده است، در چهره نو نیز به میان آید (رک. ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، ج، مسئولیت مدنی ش ۲۰۹). یکی از شایع‌ترین راه‌حل‌ها، پذیرش مسئولیت تضامنی میان تمام کسانی است که در معرض این اتهام قرار گرفته‌اند. (ماده ۸۳۰ ق.م.آلمان و ماده ۷۱۹ ق.م.ژاپن و ماده ۱۳۷ ق.م.لهستان - و در فرانسه، مارتی و رینو، ج ۲، ش ۴۷۸ - کولن و کاپیتان و لاموراندریر، ج ۲، ش ۱۷۴۶)

این راه‌حل دو فایده مهم دارد: (۱) زیان دیده می‌تواند به مناسب‌ترین مسئول رجوع کند و در گرفتن حق خود به مانعی برنخورد (۲) چون فرض این است که گروهی که خطا در میان آنان رخ داده است بهتر از خارجیان به شناخت خطا کار واقعی توفیق می‌یابند، سرانجام ضمان بر جای

خود نشانند. بی‌گمان، این راه‌حل هم بی‌عیب نیست، زیرا سبب می‌شود جمعی بی‌گناه مسئول قرار گیرند. ولی، در امور اجتماعی، دست یافتن به عدالت مطلق در بیشتر موارد ممکن نیست. عدالت مطلوب نسبی و شکننده است و باید دید کدام راه‌حل به اجرای عدالت نزدیک‌تر است و مفسده کمتر دارد.

بخش دوم. حقوق فرانسه

پیشینه حقوقی

در فرانسه، پای‌بندی به اصل تقصیر و حفظ سنت‌های حقوق مسئولیت مدنی، مانع از پذیرش میراث دادگاه‌های آمریکا و اصل مسئولیت محض شد، تا جایی که بعضی از استادان قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۳ درباره حمایت از مصرف‌کننده را «لایحه‌ای خطرناک برای مردم» نامیدند و به شدت از آن انتقاد کردند. (رک. ژان فورگو J.C.Fourgout. مجله گازت دوپاله، لوک بیل Luc Bihl، قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۳ درباره ایمنی مصرف‌کنندگان: مجموعه مقالات زیر نظر ژاک گستن؛ فرانسوا شاباس، مسئولیت ناشی از عدم ایمنی محصولات در قانون ۱۹ مه ۱۹۹۸، مجله گازت دوپاله ۱۹۹۸، شش ماهه دوم، ص ۱۱۱۲)

با وجود این، ضرورت‌های جامعه صنعتی و زیان‌های ناشی از سوءاستفاده گروهی از تولیدکنندگان، به‌ویژه در مورد مواد غذایی و بهداشتی، دولت را ناگزیر ساخت که به مجازات‌های کیفی دل‌خوش نکند و قانونی جامع برای حمایت از مصرف‌کنندگان و خریداران کالاهای تولید شده تهیه کند. به موجب این قانون، که در ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۳ به تصویب رسید و از ژانویه ۱۹۸۴ اجرا شد، تحولی آرام در اصول حقوقی مسئولیت مدنی تحقق پذیرفت و نظام حقوقی را با نیازهای جدید اقتصادی هماهنگ ساخت و گامی به سوی مسئولیت محض تولیدکننده به شمار می‌آمد. وانگهی، تمهیدهای احتیاطی برای جلوگیری از ورود کالای معیوب و خطرناک به بازار و اضرار به مصرف‌کنندگان از ابتکارهای این قانون است، که از جمله پیش‌بینی مرکز علمی پیشگیری از ایجاد حوادث زیانبار و تقویت مؤسسه استاندارد است.

بر طبق ماده یک این قانون: «محصولات و خدماتی که به بازار عرضه می‌شود، بایستی ایمنی مورد انتظار متعارف را داشته باشد». در این ماده نه تنها انتظار ایمنی به مصرف‌کننده و خریدار محدود نمی‌شود و ناظر به عموم مردم است، معیار تأمین ایمنی نیز انتظار متعارف و معقول

است نه انتظار حرفه‌ای متخصصان. (کاله اولوای^(۱))، گزارش مندرج در مجموعه گسستن، نقل از: Luk sihl ص ۵۳

پس از این قانون، اصول نمونه و راهنمای پارلمان اتحادیه اروپایی در ۱۹۸۵ به تصویب رسید. هرچند الزام مقرر در این اصول مدت‌ها به تأخیر افتاد و فرانسویان که همواره پیشگام تحولات بودند نمی‌خواستند در این زمینه دنباله‌رو باشند، نمونه اتحادیه اروپا الهام‌بخش رویه قضایی شد (لارومه Larroumet، مسئولیت ناشی از محصول معیّب پس از قانون ۱۹۹۸-۱۹ دالوز ۱۹۹۸، ص ۳۱۱ و ۳۱۲): برخورد مصلحت‌همگامی با اتحادیه اروپا و ارزش استقلال نظام حقوقی و پرهیز از بدعت‌های ناروا سبب شد که قانون فرانسوی مبتنی بر اصول جامعه اروپایی سالیانی به تأخیر افتد و حتی طرح ژاک گسستن با بی‌اعتنایی و مخالفت کمیسیون‌های قانون‌گذاری روبه‌رو شود: با وجود این، دیوان کشور فرانسه، با الهام گرفتن از رویه دیوان عدالت جامعه اروپایی، بر تولیدکنندگان تعهد تضمین سلامت کالا را در برابر خریدار مستقیم و مصرف‌کنندگان بعدی و اشخاص ثالث تحمیل کرد و نظام حقوقی فرانسه را به طرح نمونه جامعه اروپایی نزدیک ساخت و گام مؤثری به سوی این تحول برداشت. (وینی Viney، مجله دالوز ۱۹۹۸، مقدمه‌ای بر حقوق فرانسه از راهنمای اروپایی ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ درباره مسئولیت ناشی از عیب تولید، ص ۲۱۹ به بعد)

سرانجام فشارها و جریمه اتحادیه مؤثر افتاد و مقاومت نظام قانون‌گذاری پایان یافت: بر پایه طرح کالا، استاد فرانسوی، قانون حمایت از مصرف‌کننده و مسئولیت ناشی از محصولات معیّب در تاریخ ۱۹ مه ۱۹۹۸ به تصویب رسید. بدین ترتیب، فرانسه آخرین کشور اروپایی بود که به تکلیف خود درباره رعایت نمونه جامعه اروپایی در قوانین داخلی عمل کرد. (وینی، همان - پاتریک ژوردن، تفسیر قانون ۹۸ - ۳۸۹ مورخ ۱۹ مه ۱۹۹۸ درباره مسئولیت ناشی از محصولات معیّب. ژورنل کلاسور دوره‌ای، ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۸، ص ۱۲۰۴)

این قانون، برخلاف سایر کشورهای اروپایی که مقررات ویژه‌ای را در این زمینه وضع کردند، با افزودن مقررات گوناگون، ماده ۱۳۸۶ ق.م. فرانسه را در ۱۸ بند چنان آورده است که حاوی قواعد مربوط به «مسئولیت ناشی از تولید معیّب» باشد. بندهای این ماده در واقع اجرای فرانسوی نمونه راهنمای اتحادیه اروپایی است که در آن «مسئولیت محض» تولیدکننده قاعده شاخص است. در این قانون، به تمام مسئولیت‌های ناشی از تولید معیّب پرداخته نشده و بیشتر

تکیه بر مسئولیت تولیدکننده حرفه‌ای است. با وجود این، نسبت به قوانین پیشین حمایت از مصرف‌کننده پیشرفته‌تر و حاوی تحولاتی است که نکته‌های برجسته آن بدین شرح خلاصه می‌شود:

تحولات اصلی ماده ۱۳۸۶ ق.م.

۱. در قانون جدید، مسئولیت نوعی و محض است: بند ۹ ماده ۱۳۸۶ ق.م. مقرر می‌دارد که، خواهان باید سه رکن دعوا را بدین شرح اثبات کند: (۱) خسارت (۲) عیب کالا (۳) رابطه علیت میان عیب و ضرر، و در آن سخنی از لزوم اثبات تقصیر و انتساب آن به شخص یا سازمانی خاص نیست، مگر اینکه گفته شود وجود عیب کالا تقصیری است که سازمان تولید مرتکب شده است و پیامد آن را به عهده می‌گیرد.

۲. مهم‌ترین تحولی که به چشم می‌خورد، گسترده‌گی قلمرو مسئولیت محض است، به گونه‌ای که شامل فروشنده و واردکننده و اجاره‌دهنده و عرضه‌کننده کالای معیوب نیز می‌شود و به‌ویژه، در مورد کالاهای وارداتی این حسن را دارد که زیان‌دیده ناچار نیست که بر تولیدکننده در کشور خارجی دعوا کند و می‌تواند خسارت را از واردکننده بخواهد. منتها، تهیه‌کننده به نوبه خود می‌تواند بر تولیدکننده دعوا کند یا او را به دادرسی بخواند (جلب ثالث) (وبنی Viney، مجله دالوز ۱۹۹۸، ص ۲۹۱ به بعد). از جهت جبران خسارت هم زیان وارد بر تمام اموال زیان‌دیده را در بر می‌گیرد. (بند ۷ ماده ۱۳۸۶ ق.م.)

۳. بند ۱ ماده ۱۳۸۶ تکرار مفاد عبارت ماده یک طرح راهنمای جامعه اروپایی است و تنها بر آن افزوده شده است که، مسئولیت تولیدکننده در برابر هر زیان‌دیده است، خواه تولیدکننده با قربانی حادثه قراردادی داشته باشد یا میان آنها رابطه قراردادی نباشد. بخش اضافی بدین دلیل است که در حقوق فرانسه، اگر تقصیر خوانده تجاوز از تعهد قراردادی باشد، خواهان نمی‌تواند قرارداد را ندیده بگیرد و بر مبنای مسئولیت قهری بر او دعوا کند. پس، بخش افزوده برای برداشتن این مانع است تا وجود قرارداد نتواند زیان‌دیده را از استناد به مسئولیت محض باز دارد. بنابراین، هر زیان‌دیده می‌تواند به آن استناد کند و نباید آن را به رابطه فروشندگان حرفه‌ای و مصرف‌کنندگان اختصاص داد. همچنین، زیان‌دیده اعم از آن است که به طور مستقیم صدمه می‌بیند یا به طور غیرمستقیم و به وراثت. (دیوان کشور، رأی ۲۸ آوریل ۱۹۹۸)

ابهام‌های پیشین را از بین می‌برد و شامل تمام اموال منقول، حتی در صورتی که در ساختمانی به کار گرفته شده باشد، و حاصل زمین و نیروی برق نیز می‌گردد.^(۱) و از این حیث با قواعد عمومی قانون مدنی که اموال به کار گرفته شده را تابع آن می‌داند مخالف است. با وجود این، به پیروی از متن راهنمای اروپایی، اموال غیرمنقول مشمول این قانون نمی‌شود و مسئولیت سازندگان این نوع کالاها تابع قواعد و احکام جدید مواد ۱۷۹۲ (۱-۶) و ۱۶۴۶ بند ۱ قانون مدنی است. مجمع ملی فرانسه در آغاز با شمول قانون نسبت به محصول مربوط به اندام‌های بدن انسان مخالف بود، بدین دلیل که چنین محصولی کالای تجارتي نیست، ولی سرانجام مجلس سنا حذف این استثنا را پذیرفت و مفهوم «محصول» عموم خود را نسبت به همه اموال حفظ کرد. (شاباس، مسئولیت ناشی از عدم ایمنی محصولات در قانون ۱۹ مه ۱۹۹۸، مجله گازت دوپاله ۱۹۹۸، شش ماهه دوم، ص ۱۱۱۲؛ وینی، مجله دالوز ۱۹۹۸، ص ۲۹۲)

۵. چنانکه گفته شد، در این قانون، سنت پیشین حقوق فرانسه درباره عدم امکان جمع مسئولیت قراردادی و قهری، ترک شده است: بر طبق این سنت، اگر تقصیری هر دو وصف قراردادی و قهری را دارا باشد (مانند کوتاهی در مواظبت از بیمار به وسیله پزشک) زیان دیده نمی‌تواند مبتیایی را که بیشتر به سود خود می‌بیند انتخاب کند و باید خود را تابع قرارداد بداند. بدین ترتیب، کسی که از بابت اجرا نشدن تعهد قراردادی خسارت می‌خواهد، نمی‌تواند به قواعد مسئولیت قهری استناد کند. (کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، مسئولیت مدنی، ش ۴۸ به بعد - فرانسوا شاباس، مسئولیت ناشی از عدم امنیت محصولات در قانون ۱۹ مه ۱۹۹۸: مجله گازت دوپاله ۱۹۹۸، شش ماهه دوم، ص ۱۱۱۱ به بعد) ولی، در قانون جدید این منع درباره مسئولیت ناشی از تولید و عرضه محصول معیوب از بین رفته است: بند ۱ ماده ۱۳۸۶ مقرر می‌دارد: «تولیدکننده مسئول خسارت ناشی از محصول خویش است، خواه میان او و زیان دیده قراردادی وجود داشته باشد یا قراردادی نباشد». (رک. پاتریس ژوردن، تفسیر قانون ۹۸-۳۸۹، ژورنل کلاسور، ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۸، ص ۱۲۰۴؛ ژاک گستن، مسئولیت ناشی از محصولات معیوب، ژورنل کلاسور دوره‌ای، هفته حقوقی، اول ژوئیه ۱۹۹۸، ص ۱۲۰۱ به بعد؛ لارومه، مسئولیت ناشی از محصول معیوب پس از قانون ۱۹-۱۹۹۸، ص ۳۱۲)

1- Art. 136-3: "Est un produit tout bien meuble, même s'il est incorporé dans un immeuble, y compris les produits du sol, de l'élevage, de la chasse et de la pêche".

۶. در بند ۶ ماده ۱۳۸۶ ق.م. تولیدکننده اعم است از شخصی که کالای کاملی را می‌فروشد یا بخشی از آن و وسایل یدکی را تولید می‌کند. پس، نسبت به مسئول حادثه نیز باید قانون را عام شمرد. کسی هم که با نام تجارتي خود محصولی را به بازار عرضه می‌کند، در حکم تولیدکننده است و در صورتی که مسئول شناخته شود حق رجوع به تولیدکننده را دارد. (بند ۷ ماده ۱۳۸۶ ق.م.).

۷. در بند ۴ ماده ۱۳۸۶ ق.م. تولیدکننده مسئول هرگونه خسارتی است که به بدن مصرف‌کننده یا سایر اموال او وارد می‌شود و از این جهت محدودیتی ندارد، خواه خسارت مادی باشد یا معنوی، در حالی که در طرح جامعه اروپایی و رویه قضایی دادگاه‌های آمریکا مسئولیت محض به خسارت معنوی نمی‌پردازد. در فرانسه تنها فرانشیز معینی برای خسارت پیش‌بینی شده بود که بعدها حذف شد. با وجود این، قانون شامل خساراتی که به کالای معیب می‌رسد نمی‌شود و این‌گونه خسارت‌ها تابع قواعد مربوط به عیب مخفی در مبیع و محدود به رابطه قراردادی است. (گستن، مسئولیت ناشی از محصولات معیب، ژورنل کلاسور دوره‌ای، هفته حقوقی، اول ژوئیه ۱۹۹۸، ص ۱۲۰۷؛ شاباس، مسئولیت ناشی از عدم ایمنی محصولات در قانون ۱۹ مه ۱۹۹۸، مجله گازت دوپاله ۱۹۹۸، شش ماهه دوم، ص ۱۱۱۳)

۸. درباره مفهوم عیب، که در واقع پایه و کلید تمام اشکال‌های اجرای قانون مسئولیت محض است، بند ۴ از ماده ۱۳۸۶ بدین مضمون مقرر می‌دارد: «محصول، از جهت عنوان کنونی، در صورتی معیب است که ایمنی لازم را که انتظار می‌رود تأمین نکند» (وینی Vine، مجله دالوز ۱۹۹۸، ص ۲۹۱ به بعد) و رویه قضایی نیز این مفهوم را به هر عیب که خطری برای جان و مال مصرف‌کننده و دیگران ایجاد کند گسترش داده است. (گستن، مسئولیت ناشی از محصولات معیب، ص ۲۰۸)

۹. به موجب بند ۱۶ از ماده ۱۳۸۶ ق.م. مسئولیت محض تولیدکننده تا ده سال از تاریخ عرضه محصولی است که سبب زیان شده، مشروط بر اینکه تولیدکننده تقصیری نکرده باشد. بدین ترتیب، قانون مدنی رابطه خود را با نظریه تقصیر حفظ کرده و مقصر و بی‌گناه را یکسان ننگریسته است تا چهره اخلاقی قواعد نیز از بین نرود.

۱۰. در متون کنونی فرانسه (بند ۱۸ ماده ۱۴۸۷) زیان‌دیده از عیب کالا اختیار دارد یکی از دو مبنا را انتخاب کند: (۱) قواعد عمومی مسئولیت مدنی (قراردادی یا قهری)؛ (۲) مسئولیت محض

دفاع مؤثر خوانده

بند ۱۲ ماده ۱۳۸۶، موارد دفاع خوانده را که نشان می‌دهد دعوی مسئولیت یکی از شرایط لازم را ندارد، در این مورد بیان می‌کند:

(۱) اثبات این امر که تولیدکننده کالای معیوب را در معرض فروش و جریان مبادله قرار نداده است. پس، اگر کالایی ربوده شده و بی‌اذن و رضای تولیدکننده در چرخه فروش و عرضه قرار گرفته باشد، تولیدکننده مسئولیت ندارد.

(۲) اثبات این امر که عیب در زمان عرضه و انتقال وجود نداشته یا پس از آن ایجاد شده است.
(۳) تولیدکننده می‌تواند اثبات کند که ساختن کالا به منظور فروش و توزیع میان مصرف‌کنندگان نبوده است. احراز این امر نشان می‌دهد که عرضه و توزیع کالا ارادی و با میل تولیدکننده و هدف‌های حرفه‌ای او نبوده است: مانند محصولی که برای نمونه و آزمایش و کسب تجربه و تبلیغ ساخته می‌شود و به دلیلی ناخواسته در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گیرد.
(۴) اثبات اینکه وضع معلومات علمی و فنی در زمانی که محصول عرضه شده است کشف عیب را ممکن نمی‌ساخته است که به زودی به آن می‌پردازیم.

(۵) عیب محصول در نتیجه انطباق آن با قواعد قانونی یا نظام اداری ایجاد شده است. (رک. اسباب خارجی) مفاد بند ۱۲ رابطه مسئولیت محض تولیدکننده را با نظریه تقصیر نشان می‌دهد و تحول آن را در سایه عدالت و مصلحت بیان می‌کند، هرچند که پاره‌ای از استادان فرانسوی این رابطه را انکار می‌کنند. (فرانسوا شاباس، همان، ص ۱۱۱۲)

اثر اسباب خارجی

در فرانسه، اسباب خارجی که به مسئول نسبت داده نمی‌شود، عبارتند از:

(۱) حادثه ناگهانی و دور از انتظار (Cas Fortuit)؛ (۲) فعل شخص ثالث؛ (۳) خطای

زیان دیده.

درباره حادثه ناگهانی و اثر آن در معاف شدن تولیدکننده، قانون ۱۹۹۸ سخنی نگفته است و این سکوت به ظاهر چنین تفسیر می‌شود که استناد به این گونه حادثه‌ها، هرچند اوصاف قوه قاهره را داشته باشد، دفاع مؤثری محسوب نمی‌شود و مسئولیت تولیدکننده را از بین نمی‌برد. ولی، حفظ سنت‌ها و احترام به قواعد مرسوم در مسئولیت مدنی سبب شده است که به این

خسارت را قطع می‌کند، این عامل خارجی را در زمره اسباب معافیت خوانده می‌آورند. (وبنی، دالوز ۱۹۹۸، ص ۲۹۵ - گاسپاره، اصول راهنما درباره مسئولیت ناشی از محصولات معیّب، ژورنل کلاسور دوره‌ای ۱۹۹۶، ۱، ش ۳۹۴۶)

ولی، نسبت به خطای خواهان و شخص ثالث، به طور ضمنی حکمی دارد که هم از قواعد عمومی مسئولیت مدنی الهام گرفته است و هم از طرح راهنمای جامعه اروپایی:

۱. درباره خطای زیان‌دیده (خواهان)، بند ۱۳ ماده ۱۳۸۶ ق.م. که تکرار بند ۲ از ماده ۸ راهنمای اروپایی است، در این باره مقرر می‌دارد:

«در صورتی که خسارت به اشتراک عیب کالا و خطای زیان‌دیده یا شخصی

که زیان‌دیده مسئول او است رخ دهد، ممکن است با رعایت اوضاع و

احوال موضوع، از مسئولیت تولیدکننده بکاهد یا آن را حذف کند».

این حکم، همان گونه که اشاره شد، به قواعد عمومی مسئولیت باز می‌گردد و خطای زیان‌دیده را از اسباب کاهش و گاه حذف مسئولیت تولیدکننده قرار می‌دهد، ولی معیار تمیز این دو حالت را به دست نمی‌دهد. در حقوق عمومی مسئولیت، دو وصف «غیر قابل پیش‌بینی» و «مقاومت‌ناپذیر» از عناصر جوهری هر قوه قاهره است. ولی، در مسئولیت دارنده اتومبیل که شباهت زیادی با این مسئولیت دارد، دیوان کشور فرانسه موضوع را به اختیار دادرسی نهاده است تا برحسب اوضاع و احوال تمیز دهد که چه میزان باید از بار مسئولیت خوانده کاست. (وبنی، دالوز ۱۹۹۸، ص ۲۹۵)

در مورد خطای کسانی که زیان‌دیده مسئول کار آنها است، در غالب موارد از کارگزاران و کودکان زیان‌دیده مثال زده می‌شود و خطای این دو گروه است که، همانند تقصیر خود زیان‌دیده، از بار مسئولیت تولیدکننده می‌کاهد یا آن را از بین می‌برد.

۲. نسبت به اثر فعل ثالث نیز، اوصاف قوه قاهره برای تولیدکننده معین نشده و اثری هم در مسئولیت او ندارد، چرا که ثالث و تولیدکننده در برابر زیان‌دیده مسئولیت تضامنی دارند (in Solidum). با وجود این، می‌توان چنین نتیجه گرفت که، هرگاه فعل ثالث اوصاف قوه قاهره را برای تولیدکننده داشته باشد و خسارت را احترازناپذیر و نامنتظر سازد، او را از مسئولیت مبرا می‌کند.

بند ۸ ماده ۱۳۸۶ ق.م. نیز به طور ضمنی همین مبنا را می‌پذیرد. زیرا در فرضی که دو یا چند

خسارت مسئول می‌داند، هرچند که هرکدام برای دیگری ثالث محسوب می‌شود. در فرضی هم که چند عامل در تولید محصولی دخالت دارند ولی یکی از آنان پذیرنده نهایی محصول و عرضه کننده است، خسارت را منحصراً بر عهده پذیرنده نهایی محصول معیب می‌سازد. (بند ۱۱ ماده ۱۳۸۶) (وینی، دالوز ۱۹۹۸، ص ۲۹۵)

نکته جالب در بخش خطای زیان دیده تفاوت فاحشی است که میان طرح اروپایی و قانون مدنی فرانسه از یک سو و رویه قضایی دادگاه‌های آمریکا وجود دارد: به موجب این رویه، خطای زیان دیده اصولاً از اسباب معاف شدن تولیدکننده از مسئولیت نیست، مگر اینکه اطلاعات لازم را برای پرهیز از خطر در اختیار او نهاده باشد و تمهیدات ایمنی را در حدود متعارف رعایت کرده باشد و نقص اطلاعات و هشدارها در حکم عیب کالا است و دادگاه‌ها در این زمینه چنان سختگیرند که تولیدکننده را موظف می‌دانند که خطاهای احتمالی مصرف‌کننده را پیش‌بینی و از آن احتراز کند؛ در حالی که در حقوق اروپایی تا این اندازه پیشرفت نکرده‌اند و به دادگاه اختیار داده‌اند که، با توجه به همه شرایط و اوضاع و احوال، در این زمینه تصمیم بگیرد: بدین ترتیب، برای اجرای عدالت و رعایت شرایط قرارداد و اوضاع و احوال قضیه، دست قاضی بازتر است و به نظر می‌رسد که ترجیح دارد. زیرا، گاه خطای زیان دیده چنان شدید است که عرف کار او را «اقدام به ضرر خود» می‌بیند و بی‌اعتنایی به این دیده عرف روا نیست.

رعایت حکم قانون

یکی از اسباب معافیت تولیدکننده از مسئولیت، در صورتی است که تولید بر طبق قواعد امری قانون و نمونه‌ای که رعایت آن اجباری است انجام گرفته باشد: مانند اینکه قانون استفاده از گاز طبیعی را در سوخت اتومبیل اجباری کند و از این بابت خطری ایجاد شود که عیب محصول به شمار آید. در این فرض، طبیعی است که اجبار قانون مسئولیت نوعی تولیدکننده را درباره عیب تحمیل شده از بین می‌برد و تنها در صورتی می‌توان از او خسارت مطالبه کرد که در راه اجرای قانون مرتکب تقصیری شده باشد. (بند ۱۱ ماده ۱۳۸۶ ق.م.)

تقصیری که به تولیدکننده نسبت داده می‌شود، اعم است از خطایی که هنگام اجرای ناقص ضابطه قانونی انجام گرفته، یا بی‌مبالاتی که پس از تولید در زمینه رفع عیب یا کاهش خطر و بهبود کارایی محصول ضروری می‌نموده است: به عنوان مثال، اگر پس از عرضه کالا به بازار

ملاحظه‌ای کاست و تولیدکننده در اخطار به خریداران و دعوت آنان به نصب شیر اطمینان کوتاهی کند، یا برای بهینه‌سازی خط تولید اقدامی نکند، عیب و خطر محصول به او نسبت داده می‌شود و در حکم این است که کالای معیوب به بازار عرضه کرده است.

خطر توسعه

«خطر توسعه»^(۱) اصطلاحی است که نه در طرح نمونه اروپایی آمده و نه در بندهای افزوده شده به ماده ۱۳۸۶ ق.م. به کار رفته است، با وجود این در اندیشه‌های حقوقی مرسوم و شایع است و از این قاعده حکایت می‌کند که، اگر در جریان تولید عیبی موجود باشد که دانش علمی و فنی آن روز کافی برای تمیز و رفع آن نبوده است، تولیدکننده ضمانت چینی عیبی را به عهده ندارد. (در این زمینه و بحث‌ها و تاریخ ورود آن در حقوق فرانسه، رک. وینی، دالوز ۱۹۹۸، ص ۲۹۶) بی‌گمان مقصود از اثر معاف‌کننده بی‌گناهی شخصی تولیدکننده نیست؛ اشاره به این است که دانش روز تولید در سطح عالی نیز قادر به تمیز عیب و رفع آن نباشد.

بند ۱۲ ماده ۱۳۸۶ ق.م. فرانسه حاوی حکمی است که به موجب آن، اگر عیبی تا ده سال پس از عرضه کالا آشکار شود و تولیدکننده تمهیداتی برای احتراز از نتایج زیانبار آن نیندیشد، نمی‌تواند از عامل امر قانون یا خطر توسعه برای معاف شدن از مسئولیت استفاده کند.

این قاعده راه سوءاستفاده از معافیت ناشی از امر قانون و خطر توسعه را می‌بندد و نگرانی را در این زمینه کاهش می‌دهد؛ چنانکه رویه قضایی دادگاه‌های آمریکا نیز پیش از این به نتیجه‌ای مشابه رسیده بود و تولیدکننده را مسئول عیبی که پس از عرضه کالا آشکار می‌شود و قابل رفع است کرده بود. (کاتوزیان، مسئولیت ناشی از عیب تولید، ش ۱۰ به بعد، به ویژه ش ۱۴). رویه قضایی آلمان نیز پیش از این به تعهد ایمنی کالا نظر داده بود و همین پیشینه‌ها سبب شده که در بند ۱۲ ماده ۱۳۸۶ پیش‌بینی شود.

منتها، در فرانسه معاف شدن به دلیل «خطر توسعه»، استثنای مهم دیگری نیز دارد: خطرهای ناشی از پیوند اعضای بدن و خون و سرم و مانند اینها، به دلیل اهمیت اساسی در حیات انسان، مشمول قاعده معافیت از خطر توسعه نمی‌شود تا بر احتیاط تولیدکنندگان محصولی که به بدن انسان مربوط است بیفزاید.

شایان ذکر است که در بند ۱۵ ماده ۱۳۸۶ شروطی که از مسئولیت تولیدکننده بکاهد یا آن را از بین ببرد باطل اعلام شده است تا قرارداد خصوصی نتواند احکام قانون را بی اثر سازد. ولی، این حکم در موردی که قرارداد میان اشخاص حرفه‌ای و برای نیازهای تجارتهی بسته می‌شود، حکمت خود را از دست می‌دهد. زیرا، فرض بر این است که طرف قرارداد مصرف‌کننده نیست تا نیاز به حمایت داشته باشد. به همین جهت، در موردی که قرارداد برای مصرف شخصی این‌گونه حرفه‌ای‌ها بسته می‌شود، همان حکمت جلوه‌گر است، و ضرورت حمایت از مصرف‌کننده احساس می‌شود. این مصلحت‌ها در بند ۱۵ و ۲ ماده ۱۳۸۶ رعایت شده است. پس، باید پذیرفت که در حقوق کنونی، در کشوری همچون فرانسه نیز که مهد اصول‌گرایی و احترام به قواعد است، رعایت مصلحت و ارزش‌ها به مراتب بیش از حرمت اصول و قواعد و سنت‌ها کارساز است و اهمیت دارد و چهره تازه‌ای از تعارض منطق و عدالت را نمایان می‌سازد.

کتابنامه:

۱- به زبان فارسی:

- ۱- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱) مسئولیت ناشی از عیب تولید، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲) الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، ج ۱، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

۲- به زبان فرانسه:

- 1- Chabas (François). La responsabilité pour défaut de la sécurité des produits dans la loi du 19 mai 1998, pag 1922 et sui.
- 2- Ghestin (Jacque), De la responsabilité du fait des produits defectueux JCP. no 27 1 juillet 1998 2e sem. pag. 1201 a sui.
- 3- Jourdain (Patrice), Commentaire de la loi no 98-389 du 13 mai 1998 sur la responsabilité du fait des produits défetueux JCP. 23 juillet 1998, pag. 1204.
- 4- Larroumet (Christian). La responsabilité du fait des produits defectueux après la loi du 13 mai 1998, Dalloz 1998, pag 311 et sui.
- 5- Dalloz. Code civil, 101e édition, annoté par jacob, Tisserand, Venanolet, wiederkehrn, Henry, Edition 2002, Paris Dalloz.

- 6- Viney (Genevieve), - L'introduction en droit français de la directive européenne du 25 Juillet 1985 relative à la responsabilité du fait des produits défectueux, Dalloz 1998, Chronique 291 et sui.